

نظری بمکتب ادیان و...

(۷)

بزرگترین خیانت
بیمان شکنی یهود
بازار دین فروشی
تقلید عامیانه ضد عقل

* * *

بزرگترین خیانت

اینک بر حسب وعده ای که قبلاً بخوانندگان محترم داده ایم با استشهد بآیاتی چند از کلام الله مجید، رازیرا که سالهای متمادی بعضی از علمای خیانتکار یهود و نصاری پنهان داشته و برای مقاصدشوم دنیوی، حقایق تورات و انجیل را بر مردم جهان مخفی میساخته اند و کلمات خدائیرا بخواسته خود و سایر شهوت پرستان تغییر میداده اند آشکار ساخته و از آن پرده بر میداریم. آنان چنان آیات الهی را که بوسیله پیغمبران اولوالعزم نازل شده بر مردم مخفی نموده و از بین برده اند که مردم یهود و مسیحی این زمان گمان نمی برند که خداوند عالم احکامی و مقرراتی دارد و واجبات و محرماتی را بر مردم فرض فرموده باشد. جای شگفت اینجاست که روی عقل و فکر آنان نیز پوشیده شده بطوریکه بخود نمی آیند تا فکر کنند چگونه می شود اشیاء و افعالیکه فسادشان بر جهانیان آشکار شده و زیان آنها بر جسم و جان بشر غیر قابل انکار است و منشأ هزاران جنایت و خیانت هستند از طرف خداوند ممنوع شده و پیغمبران درباره آنها بر مردم تذکری نداده باشند تا اینکه علمای آنها هم علناً از شرابخواری و قمار بازی و سایر افعال ناشایست و کردار شنیع پرهیز ننمایند.

آری این حقیقت بوسیله قرآن مجید و وحی آسمانی در جهان افشا شده و

کیفر بزرگه خیا تنکارانی را که جامعه را بید بختی کشانیده و سبب گمراهی دگران را بامخفی نمودن حقائق دینی فراهم ساخته اند بیان میفرماید: ان الذین یشترون بهرید الله وایمانهم ثمناً قليلاً اولئك لا خلاق لهم فی الآخرة ولا یكلمهم الله ولا ینظر الیهم ولا یزکیهم ولهم عذاب الیم (آل عمران آیه ۷۲) و آنانکه عهد خدا و سوكندهای خودشانرا با مبلغ کمی مبادله می کنند در آخرت بهره ای ندارند و خداوند آنها را، وارد گفتگو و نظر خود قرار نخواهد داد و نیز ایشانرا از لوث گناهان و بدبختی تزکیه نخواهد فرمود و برای آنها عذاب دردناک است .

سپس درباره خیا نت بزرگه و نیرنگه و تزویر علمای یهود و نصاری چنین میفرماید: و ان منهم لفريقاً یلوون السننهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب وما هو من الکتاب و یقولون هو من عند الله وما هو من عند الله و یقولون علی الله الکذب وهم یعلمون (آل عمران آیه ۷۲) در آینه جمعی از یهود و نصاری چنان زبانه های خود را با سلو ب کتاب میگردانند تا شما گمان برید که گفتار آنان از کتاب خداست و حال آنکه مر بوط ب کتاب خدا نیست آنها میگویند این گفتار از نزد خدا آمده است ولی خیر از نزد خدا نیست و ایشان دانسته بر خدا دروغ و افترا می بندند .

پیمان شکنی یهود

بلی آنان شیوه پیمان شکنی و خیا نت ورزی را از دست نداده تا آنکه احکام الهی را زیر پا گذاردند . ولقد اخذنا ميثاق بنی اسرائیل وبعثنا منہم اثنی عشر نقیباً وقال الله انی معکم لئن اقمتم الصلوة و آتیتم الزکوة و آمنتم برسلی و عزرتموهم . (مائده ۱۵) در آینه پیمان گرفتیم از بنی اسرائیل و بر انکیختیم میانشان دوازده سر پرست و دیدبان ، و خداوند بآنان فرمود بتحقیق من باور شما هستم هر آینه اگر شما نماز را بپا بدارید و زکوة را بدهید و به پیامبران من بگروید و آنانرا یاری کنید و بخداوند اعمال شایسته خود و اموالتان را واد دهید، گناهانتان را بپوشانم و شمارا داخل بهشت نمایم، تا آنجا که میفرماید: فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذکرناه و لا تزال تطلع علی خائنة منہم

(مائده-۱۶) «چون آنان پیمان شکنی کردند ما آنها را طرد نموده دلشان را سنگین و سخت قرار دادیم ایشان کلمات خدا و احکامش را از جایگاه خود تغییر داده و تحریف نمودند و بهره خود را از آنچه یادآوری شده بودند فراموش کردند ای پست‌مهر تو پیوسته بر خیا‌نهای آنان آگاه خواهی شد» و در سوره نساء نیز در آیه (۴۵ و ۴۴) حق کشی و تغییر دادن آنها آیات و احکام الهی و تحریفشان کلمات خدا غیر یادآور شده آنگاه میفرماید: «ای کسانیکه قبلاً برای شما کتاب تورات و انجیل فرستاده شده ایمان بیاورید با آنچه اکنون بر شما نازل میکنیم که تصدیق میکنند آنچه با شماست از تورات و انجیل قبل از آنکه روهای شما را بوضعی منکر در آورده بسوی عقب برگردانیم».

بازار دین فروشی

اساساً بزرگان و علمای یهود ثروت‌های سرشاری از راه تصرف در آیات و احکام الهی بدست می‌آوردند حتی بنا به نقل قرآن کریم بعضی از آنها که با اتفاق حضرت موسی (ع) بکوه طور و وادی سینا می‌رفتند و کلام الهی را استماع میکردند هنگامیکه بر میگشتند مطابق خواهش‌های نفسانی احکام الهی را برای مردم نقل مینمودند و بکلی کلام خود را تغییر میدادند و همچنین بعدها پول‌های هنگفت از حکام و متنفذین شهوتران اخذ مینمودند تا در احکام الهی دستبرد زده بلکه آیاتی از خود اختراع نموده بخداوند اقترا بز نند و بگویند اینها آیات تورات است که بر موسی نازل شده و مردم عوام و نادانان با اینکه دروغ و فسق آنها را میدانستند باز از آنها تقلید نموده کلمات باطل و احکام جعلی آنها را می‌پذیرفتند چنانچه خداوند عالم در مقام قطع امیدواری مسلمانین از یهود که ابداً حاضر نیستند دست از راه خیره‌سری خود برداشته و بدین حق ایمان آورند میفرماید: **اَفْتَطَمِعُونَ اَنْ يَّؤْمِنُوا بِالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلْنَا بِرُوحِنَا وَمَنْ يَتَّبِعْ اٰيَاتِنَا مِنْ غَيْرِ اِيمَانٍ يَّحْمِلْ اَثَمَ مَا يَحْمِلُنَّ** (بقره-۷۵) «ای مسلمانان آیا طمع دارید که این یهودیان ایمان آورند و حال آنکه چنین مردمی هستند که وقتی عده‌ای از خوبان نشان کلام خدا را می‌شنیدند و می‌فهمیدند و متعلق می‌نمودند دانسته و از روی عمد تغییر داده برای مردمی که نشنیده بودند بیان میکردند».

آنگاه تقلید عامیانه مردم عوام را از علمای منحرف و فاسق سرزنش میفرماید

سپس در مقام تهدید میفرماید: **قویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذامن عندالله لیشر وابه ثمنا قلیلا فویل لهم مما کتبت ایدیهم وویل لهم مما یکتبون** (بقره ۷۹) « پس وای بر آنانکه می نویسند کتابی را بدستهای خودشان سپس نسبت میدهند که این از نزد خداست برای اینکه مبلغ ناچیزی بدست آورند پس وای بر این مردم از این کتاب جعلی و موهوشان و وای بر این در آمد پست و موهوشان .

تقلید عامیانه ضد عقل

از اینجه معلوم میشود بازار جعلیات و آیه سازی و حکم تراشی بنام کتاب آسمانی بقدری رونق داشته که هر یک از علمای آنها برای دریافت مبلغ کمی حاضر بود حکمی از کتاب خدا از بین ببرد و جای آن لاطائلی بگذارد بطوریکه میتواند گفت این کتابهای فعلی محصول افکار یکمده مردمان سودجو و خیانتکار بوده است که بعضی از آنها چنانچه بعداً بنظر خوانندگان خواهد رسید حتی مورد تصدیق کودکان هم قرار نمیگیرند زیرا با موازین عقل سازش ندارد با اینوصف جای شکست است که چگونه بعضی کورکورانه انتساب این کتابهای بی اساس و تحریف شده را بذات اقدس احدیت قبول می کنند و انتظار دارند که احکام خلل ناپذیر الهی که برخلاف خواسته و خودسری مردمان شهوترانست در آنها یافت شود .

در تفسیر صافی در خلال این آیات حدیث مفصلی از امام ششم (ع) نقل شده که خلاصه مضمون آن اینست: « مردی از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که: مردم عوام یهود که آیات خدا را نشنیده بودند و فقط از علمایشان استماع نموده تقلید از آنها میکردند چه تقصیر داشتند که مورد توبیخ و سرزنش خداوند قرار میگیرند ، مگر فرق بین آنها و عوام مسلمان که احکام الهی را از علمای پرش نموده تقلید می نمایند چیست ؟ امام علیه السلام راز این مذمت را چنین بیان می فرماید: « عوام یهود با اینکه کاملاً علمای خود را می شناختند که آنان صریحاً بخدا دروغ و افترا می بندند و رشوه و مال حرام صرف میکنند و بواسطت اشخاص و برای خوش آمد زور گویان و فریفتن مردمان ، واجبات و محرمات الهی را تغییر میدهند و کاملاً آشنا بودند که آنان دارای تمصبشدید بوده بطوریکه همواره دین را زیر پا گذارده حقوق مردم را بنفع اقوام و دوستان خود ضایع نموده و با

ستمگری اموال مظلومین را برای ظالمین اخذ میکردند و میدانستند که آنها منکرات و محرّمات شیع را مرتکب شده و خود خواسته را خدا خواسته معرفی میکنند با وجود همه اینها از روی عصبیت از چنین علمای سوء و فاسد تقلید مینمایند و لذا مورد ملامت و توبیخ خداوند قرار نمیگیرند و عوام ما هم اگر پیر و اینچنین افراد فاسق و خائن باشند جای تردید نیست که مانند یهود مشمول این ملامت هستند . آنکه در ذیل حدیث میفرماید: **فاما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفاً على هواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لاجمعيهم** در آنکس از فقهاء که خودش را نگهداری کند و دینش را حفظ نماید و برخلاف خواسته و هوسهای خود امر مولايش را اطاعت نماید جایز است عوام و مردم تحصیل نکرده از او پیروی کنند و البته دارای این صفات ممتازه بعضی از علمای شیعه خواهند بود .

شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرزند نیکو کار!

پیغمبر اکرم (ص) در حدیثی فرماید: **از نیکوی فرزند نسبت به پدر و مادرش این است که بدون اذن و دستور ایشان؛ روزه مستحبی نگیرد، و گرنه نسبت با نان ستمکار (عاق) خواهد بود.**

(وسایل الشیعه - کتاب صوم)